

**Detection of semantic sound in the Qur'an, based on the theory of the derivation of Ibn Jenni Case study of the combination of voices (H, R, M)**

**Roya Esmaeilian<sup>1</sup>, Abbas Eghbaly<sup>2</sup>, Ali Bashiri<sup>3</sup>**

Faculty member of the Arabic Department of Kashan University, Kashan, Iran

Faculty member of the Arabic Department of Kashan University, Kashan, Iran

Faculty member of the Arabic Department of Kashan University, Kashan, Iran

**Abstract**

The language is the main means of human communication that plays a key role in creating this relationship, and is a sign of a better understanding of the speaker's intentions. Occasionally, Ava has an inherent intrinsic meaning of what is known as onomatopoeia. The Holy Quran has used the high standard of speech in communicating its message to Al-Qa'ir and Saddamnah's vocals whose songs contain a certain meaning in their minds. The purpose of this study is to analyze the derivatives derived from the voices based on the theory of Ibn Jenni in the derivation and relying on the case study (H, R, M) and the relationship between the lexical semantic relation of "voices through analytic descriptive. From the findings of this research, we can refer to the Ava's spiritual miracle in addressing the audience, along with the miracle of minimizing it in the conception of abstract concepts with minimal sound, since the derivatives with the same phoneme have related meanings. For example, in the combination of voices "H,R,M " in all material movements it means Heat, plurality and strength.

**Keywords:** Holy Quran, Phonetic Semantics, Sound of Meaning, Derivation, Ibn Jenny.

## واکاوی صدامعنایی در قرآن کریم با تکیه بر نظریه اشتقاق ابن جنی مطالعه موردی ترکیب آواهای (ح، ر، م)

رویا اسماعیلیان<sup>۱</sup>، عباس اقبالی<sup>۲\*</sup>، علی بشیری<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

roya.esmaeilian@gmail.com

۲- دانشیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

aeghbaly@kashanu.ac.ir

۳- استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

shmotoun.arabic@yahoo.com

### چکیده

یکی از مسائلی که ابوالفتح عثمان ابن جنی زبان شناس (وفات ۳۹۲ق) مطرح می‌کند، مساله منشاء زبان و دلالت ذاتی آوای الفاظ بر معنا است که از دیرباز در یونان باستان مطرح بوده و به نظریه (صدامعنایی) معروف است. وی مدعی ارتباط معنایی میان مشتقاتی است که تعداد و نوع حروف اصلی آن‌ها یکسان ولی در ترتیب متفاوتند. واکاوی و شناخت جوانب این پدیده، مایه دریافت دقیقتر مدلول و مفاهیم واژگان است و این نوع واژه‌شناسی می‌تواند مقدمه‌ای برای شناخت دال‌ها و مدلول و پیام‌های متون هدفمند، از جمله تفسیر آیات شریفه قرآن باشد.

در این جهت، جستار حاضر براساس نظریه ابن جنی به واکاوی یکی از مشتقات قرآنی که از آواهای (ح،ر،م) برگرفته، پرداخته است و به تبیین تناسب معنایی واژگانی آواها از رهگذر توصیفی - تحلیلی برآمده است. از یافته‌های این پژوهش می‌توان به اعجاز معنوی آوا در تفهیم و اقناع مخاطب، اعجاز کمینه‌گویی قرآن در تجسیم مفاهیم انتزاعی با کمترین صوت اشاره کرد، چراکه مشتقات با واج‌های یکسان، معانی مرتبطی دارند. مثلاً تمام ترکیب‌های متفاوت (ح،ر،م) به مثابه یک دال بر مدلول‌هایی قبیل حرارت پنهان، کثرت، بست و قوت هستند.

### واژه‌های کلیدی

قرآن کریم، معناشناسی آوایی، صدامعنا، اشتقاق، ابن جنی

## طرح مساله

ابن جنی<sup>۱</sup> زبان را آواهایی می‌داند که اقوام مختلف مقصود خود را به وسیله آن بیان می‌کنند (حجازی، ۱۳۷۹، ۱۵). از آنجا که آوا، ابزار اصلی انتقال مفاهیم ذهنی به مخاطب و تجسیم معنا است، زبان‌شناسان مباحث آواشناختی را اولین گام برای تفسیر زبان‌ها تلقی می‌کنند (خاقانی و فضیلت، ۱۳۹۳، ۱). بر این اساس نقش آواهای القاگر که آهنگ آن‌ها معنای خاصی را در ذهن تداعی می‌کند، در تحلیل معانی قرآن کریم قابل توجه است. همچنین کشف ارتباط معنایی میان مشتقات به عنوان یکی از مباحث واژه‌شناسی<sup>۲</sup> مقدمه‌ای بر فهم آیات است، تعداد بالای واژگان اشتقاق کبیر در قرآن نیز تأکیدی بر ضرورت توجه به این پدیده زبانی است؛ بویژه آنکه در نظریه ابن جنی که منطبق بر صدامعنایی است، به ارتباط میان الفاظ و آواها در مشتقات اشاره دارد. بر این اساس مقاله حاضر درصدد است تا وجود این نوع واژگان در قرآن کریم را تبیین نماید و از رهگذر واکاوی زبان‌شناختی آواهای القاگر و کشف تناسب میان لفظ و معنا، به صورت نمونه، ارتباط معنایی بین مشتقات (ح،ر،م) و نقش این شناخت در فهم واژگان کلام الهی را بررسی کند و به سوالات زیر پاسخ گوید:

۱. بر اساس فرایند صدامعنایی دلالت‌های معنایی چپ‌نش آوا در قرآن با محوریت آواهای (ح،ر،م) چیست؟

۲. طبق نظریه ابن جنی، مشتقات حاصل از آواهای (ح،ر،م) از چه تناسب معنایی برخوردار هستند؟

۳. تبیین ریشه‌ای مبتنی بر داده‌های معناشناسی آواها، اصل اشتقاق و کشف رابطه معنایی ترکیب‌های مختلف (ح،ر،م) چه کارکردی دارد؟

## ۱. پیشینه و ضرورت پژوهش

آواشناسی، با انگیزه ادای صحیح الفاظ قرآنی پیشرفت یافت (زکی حسام‌الدین، ۲۰۰۰م، ۱۰۴) و نقش آوا در درک بهتر مفاهیم قرآنی، مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت. از این رو در کتاب‌هایی از قبیل "التفسیر البیانی للقرآن الکریم" (۱۳۴۷ش) تألیف عائشه عبدالرحمن بنت الشاطی، "پرتوی از قرآن" (ش ۱۳۶۲) تألیف محمود طالقانی، "اعجاز القرآن و البلاغه النبویه" (۱۴۲۱ق) تألیف مصطفی صادق رافعی و "التصویر الفنی فی القرآن" (۱۸۰۰م) تألیف سید قطب، به این پدیده زبانی در قرآن مجید، به گونه‌ای ویژه توجه شده است. محمد حسین علی الصغیر در کتاب "الصوت اللغوی فی القرآن" (۲۰۰۰م) به کلیات مبحث آواشناسی و جنبه اعجاز موسیقایی و زیبایی‌شناختی در قرآن کریم پرداخته است، همچنین در مقاله «التحلیل الموسیقی لآی القرآن الکریم» نوشته (سیدی و عبدی، ۱۳۸۴، ۵۹) دیدگاه‌های گذشته و جدید در زمینه موسیقی ناشی از آواها تبیین شده است. در جستار «رویگردی به جنبه‌هایی از زیبایی‌شناختی موسیقی الفاظ قرآن کریم» (امیری، ۱۳۸۶، ۱۳۷) نگارنده آن نقش آوای کلمات را بررسی کرده و نتیجه گرفته است: «آیات پیام‌آور بشارت، لحنی نرم و آهنگی لطیف دارد». در مقاله

۱. ابن جنی، ابوالفتح عثمان بن جنی موصلی (۳۹۲ - ۳۲۱ ق)، عالم به صرف و نحو، لغت و ادب عربیاست. (الزرکلی ۱۹۸۴، ۴، ۲۰۴)  
 ۲. اشتقاق در کتب و مقالات معادل ریشه‌شناسی واژگان یا etymologie گرفته می‌شود (خوش منش، ۱۳۸۸، ۱۳)

«کاربردشناسی نشانه‌های آوایی سوره مرسلات» (فلاح و شفیع‌پور، ۱۳۹۴) تبیین شده است که آواهای این سوره در ترسیم حوادث عظیم قیامت و تصویرسازی حال مومنان و مجرمان سهمی سترگ دارند. همچنین در پایان‌نامه‌ای با عنوان (دلالت آوایی آیات عذاب) (علیا شفیع، ۱۳۸۹) برخی از واژه‌های قرآنی از لحاظ آواشناسی بررسی شده است.

گذشته از این‌ها، در پژوهش‌های سبک‌شناسانه قرآن مجید، واکاوی سطح آوایی مد نظر قرار گرفته است. به عنوان نمونه می‌توان موارد ذیل را نام برد: "سبک شناسی لایه‌ای سوره مبارکه «نبأ» لایه نحوی، آوایی، واژگانی" توسط مهرانگیز خدابخش نژاد، قاسم مختاری، ابراهیم اناری و محمود شهبازی (فصلنامه پژوهشی ادبی - قرآنی شماره ۲، ۱۳۹۷) "سبک شناسی سوره واقعه" توسط پرویز آزادی و سهیلا نیکخواه (فصلنامه پژوهش‌های زبان شناختی قرآن شماره ۷، ۱۳۹۷) و پژوهش‌های سبک‌شناسانه دیگری که ذکر همه آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد. در بیشتر این پژوهش‌ها بعد زیباشناختی، تصویرسازی و اعجاز موسیقایی فواصل آیات یا تکرار آوا مورد توجه بوده و کمتر دلالت ذاتی آوا در انتقال معنا تحلیل شده است.

در زمینه صدامعنایی یا نام‌آوا نیز رمضان عبد التواب در مباحث زبان شناسی عربی به نقش اصوات پرداخته و آورده است: «مهمترین ویژگی زبان سامی تکیه بر اصوات صامت است. در نظر سامیان معنای اصلی کلمات به اصوات صامت مرتبط می‌شود. به عنوان نمونه در ساختارهای گوناگون کلمه کتب معنای اصلی به آواهای کاف و تاء و باء برمی‌گردد (عبد التواب، ۱۹۹۴، ۴۵). وحیدیان کامیار در کتاب

"فرهنگ نام‌آوایی" (۱۳۷۵) تنها به فهرست‌نویسی انواع نام آوا می‌پردازد. احمدی گیوی و انوری (۱۳۸۵) در "دستور زبان فارسی" ذیل مبحث نام‌آوا تنها چگونگی ایجاد صدا و قاعده ساختار زبانی آن را توضیح می‌دهد. در جستار "صدامعنایی در شعر گفتاری معاصر" اثر محمدی و کمرخانی (۱۳۹۳) چگونگی آفرینش صدامعنایی و انواع آن تشریح شده است، همچنین در مقاله "صدامعنایی بر مبنای زیبایی شناسی در شعر فرخی سیستانی" اثر حسین اتحادی (۱۳۹۳) و در مقاله «صدامعنایی در شعر اخوان» توسط سید شهاب‌الدین حسینی (۱۳۹۵) به مباحث آوایی و نقش آن در افزایش ضرب آهنگ یا موسیقی لفظی متن پرداخته شده است.

برخی پژوهش‌ها نیز به معناشناسی واژگان قرآنی همچون (رحمت) (۱۳۸۹) توسط اعظم پرچم و همکاران پرداخته‌اند که به تفاوت معنایی صفت (رحمن) و (رحیم) اشاره می‌نماید و در فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث منتشر شده است. ریشه‌شناسی واژه قرآنی (علم) در زبان‌های سامی (۱۳۹۵) توسط علی حاجی‌خانی و همکاران نیز معانی این ریشه را مطالعه نموده است، یا پژوهش دیگری همچون فرایندهای واجی در قرآن (۱۳۹۶) توسط شهریار ضیاء‌آذری و همکاران که به نمونه‌هایی از ابدال در واژگان می‌پردازد و هر دو در مجله جستارهای زبانی به چاپ رسیده‌اند.

گذشته از این‌ها در منابعی چون (فروق اللغات) جزایری (۱۳۸۰) یا (الفروق فی اللغه) ابو‌هلال عسگری (۱۴۰۰) در حوزه واژه‌شناسی نیز اکثراً به جای مدنظر قرار دادن حرکت تقریبی بین واژگان و نزدیک ساختن ریشه‌ها به هم، حرکتی در جهت

و تسلط بر آن‌ها است، می‌تواند در عرصه کمک به مشتاقان مفاهیم قرآنی و دانش‌آموختگان زبان عربی سودمند باشد و مورد استفاده موسسات قرآنی قرار گرفته و گامی در جهت تبیین یکی از وجوه اعجاز قرآن باشد. به رغم همه این پژوهش‌های گرانسنگ، تاکنون پیرامون ارتباط معنایی مشتقات (ح، ر، م) تحقیقی فراگیر و منطبق بر رویکرد اشتقاق و صدامعنایی، همچنین تحقیقی تحت عنوان صدامعنایی یا نام‌آوایی در قرآن کریم انجام نگرفته است. در این جستار متفاوت با تحقیقات پیشین علاوه بر تبیین ویژگی حروف و شکل ساختاری دستگاه صوتی در هنگام تلفظ آوا و تاثیر آن در توصیف معنای آوا، به شکل نوشتاری حروف نیز به عنوان ابزاری برای کشف و تبیین معنای آوا اشاره شده است و سعی می‌شود گذشته از بیان جنبه اعجاز آواها در انتقال معنا، اعجاز اقتصادی آن‌ها نیز بیش از پیش نمایان شود.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

معنا به واسطه‌های گوناگونی چون لحن، ساختار صرفی و نحوی (الکراعین، ۱۹۹۳م، ۱۰۲) یا معنای معجمی (عبدالجلیل، ۲۰۰۱م، ۶۴) در ذهن شکل می‌گیرد. دلالت صوتی برآمده از طبیعت آواها نیز معنی خاصی را تداعی می‌کند، زیرا آواها واحدهای بی‌مفهومی نیستند، بلکه سنبله‌ای از معانی جهت فهم مقصود گوینده می‌باشد (فلاح و شفیع‌پور، ۱۳۹۴، ۴۱) و دلالت‌هایی چون شادی، نهی و... دارند (الصغیر، ۲۰۰۰م، ۶۶۱). هر دو صورت گفتاری و نوشتاری واژه، نشانه‌ای بر معنای نهفته در آن است (الدایه، ۱۹۹۶م، ۱۵) که نشانه‌های زبانی نامیده می‌شود

مقابل یعنی توجه به تفاوت‌ها را تاکید کرده‌اند که در جای خود ارزشمند است، اما در کنار آن‌ها، آثار دیگری که هزاران واژه به ظاهر منفصل را به سلک همبستگی بکشاند، یافت نمی‌شود، حتی (اشتقاق) ابن درید (۳۲۱) (معرب) جوالیقی (۵۳۹) (المزهر) سیوطی (۹۱۱) و ... یا با تکیه بر حدس و گمان این موضوع را به صورتی جسته و گریخته میان مطالب دیگر از نظر گذرانده‌اند و یا به عنوان نمونه به تعداد اندکی از واژگان بسنده کرده‌اند و تلاش چندانی برای اثبات آن ننموده‌اند، به نوعی این نوع اشتقاق مورد بی‌مهری علماء ادب قرار گرفته است. با وجود مقالاتی چون (فرهنگ اشتقاقی تطبیقی واژگان قرآن کریم) (۱۳۸۸) نوشته ابوالفضل خوش‌منش که سیر تاریخی واژگان و ارتباط آن با زبان‌های دیگر را بررسی کرده است، به نظر می‌رسد مقوله اشتقاق (ریشه‌شناسی) در دهه اخیر کمتر مورد توجه بوده است همچنین فرهنگی که ارتباط ریشه‌های واژگان هم‌ریشه در قرآن کریم که با یکدیگر اشتقاق دارند را در قالب خوشه‌های واژگانی به صورت علمی و روشمند بررسی کند و ارتباط آنها را با آواهای اصلی مشترکشان تبیین کرده باشد، کمتر یافت می‌شود، بنابراین این پژوهش شیوه‌ای ابداعی دارد.

علاوه بر این اشتقاق به مثابه پدیده‌ای دیرینه در فقه اللغة عربی، یکی از چالش‌های دستیابی به شیوه روشمند فهم واژگان است و توجه به واژگان قرآنی که با یکدیگر اشتقاق دارند، می‌تواند در ایجاد فضای علمی و بینشی سازمند موثر باشد (خوش‌منش، ۱۳۸۸، ۱۱). نتایج حاصل از این پژوهش که بر اساس اصل کم‌کوشی، روشی کدینگ و سریع جهت سهولت فراگیری مفاهیم واژگان بیشمار، به خاطر سپردن معنا

در برابر معنا بی تناسب نیست و نوعی ارتباط میان آوا و معنا متصور است (فلاح و شفیع پور، ۱۳۹۴، ۵۲). وضع واژگان متناسب با حالات نفسانی انسان اولیه و اثری بود که معنا بر روان او می گذاشت، او با طبیعت سر و کار داشت و هر چیز تازه‌ای در کنارش حس می کرد، را می نامید، اما به تدریج نام گذاری از مرحله آفرینش به تکرار کشید (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰، ۸۸)؛ بنابراین صدایی که همزمان با تصویر رخ می داد، نام آن را دربرداشت (یول، ۱۹۹۶م، ۸).

از آنجا که متفکران اسلامی بزرگی چون خلیل بن احمد فراهیدی، سیبویه، عباد بن صیمری،<sup>۵</sup> میرداماد،<sup>۶</sup> ابو علی فارسی و... از طرفداران رابطه طبیعی لفظ و معنا هستند (نیکویخت، ۱۳۸۳، ۱۱۹) درخور توجه است. در (قصص العلماء) آمده است: از میرداماد معنی (فسک) و (پسک) را پرسیدند: ایشان پس از سه روز فکر گفتند: گویا یکی مخرج بول و یکی غائط باشد و وقتی جواب او را تصدیق کردند، دعاوی بد کرد که وی را به خاطر چنین کلماتی معطل کرده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳، ۳۱۷). الکرملی<sup>۷</sup>، (۱۹۳۸، ۱) در توضیح نظریه ابن جنی می گوید: زبان، تقلیدی از صداهای حیوانات و انسان‌ها است (قدور، ۱۹۹۹م، ۱۹۳) و بین حروف و مفاهیم واژه ارتباطی ذاتی وجود دارد (نیکویخت، ۱۳۸۳، ۵۳). همچنین در اغلب زبان‌های دنیا کلماتی که با (ک) شروع می شوند، همچون: کلاه، کاپشن، کلاسور و... بر معنی پوشش چیزی بودن، دلالت دارند (پرین، ۱۳۷۳، ۱۰۰) چراکه آواها از زوایای روح انسان برمی آیند و میان

(زارع و همکاران، ۱۳۹۱، ۷۲) تبیین ارتباط آوایی معنایی واژگان نیز، معناشناسی آوایی<sup>۱</sup> نام دارد (فراستخواه، ۱۳۷۶، ۱۶۶) که کدهای آوایی را بازخوانی می کند (حسینی، ۱۳۶۶، ۷). بر این اساس بخشی از دانش نشانه‌شناسی<sup>۲</sup> به شمار می رود. این دانش، بهترین کلمات را آنهایی می داند که به محض شنیدنشان، معنا را منتقل می کنند (قهرمانی و جاوری، ۱۳۹۵، ۱۲۷). به دیگر بیان آوا دلالت ذاتی بر معنی دارد که با طبع انسان مانوس بوده و استفاده از سابقه ذهنی وی نسبت به محسوسات طبیعت است.

ابن جنی مناسبت طبیعی آوا بر معنا را دلالت لفظی می نامد (الکراعین، ۱۹۹۳م، ۹۶). وی مدعی تاثیر همخوان‌ها در القاء معنای خاص می باشد، مثلاً واژه (قضم) را به دلیل نیرومندی (قاف) برای جویدن چیز خشک به کار می برد (ابن جنی، ۱۹۵۶م، ۱۶۵). این مساله از دیرباز در یونان مطرح بوده است (انیس، ۱۹۸۴م، ۶۳). افلاطون در رساله کراتیلوس<sup>۳</sup> با اعتقاد به رابطه ذاتی بین دال و مدلول بیان می دارد: کلمه را طبیعت تعیین می کند نه قرارداد و کلمه اصالتاً چیزی را بیان می کند که بر آن دلالت دارد (روبینز، ۱۹۹۷م، ۳۷).

هرچند نظریه‌های: ۱- ذاتی یا ۲- قراردادی بودن دلالت لفظ بر معنا مطرح است (نیکویخت، ۱۳۸۳، ۱۱۹). برخی چون اپیکور<sup>۴</sup> موضع بینابین را برگزید که صورت واژه به طور طبیعی پدید می آید ولی وضع آن را پردازش می کند (روبینز، ۱۹۹۷م، ۴۹) اما در مقام وضع نیز، زبان‌شناسان معتقدند: قرار دادن لفظ

<sup>۵</sup> از متفکران معتزلی قرن دوم هجری

<sup>۶</sup> فیلسوف بزرگ عصر صفوی

<sup>۷</sup> بطرس جبرئیل یوسف عواد مشهور به انستاس ماری الکرملی زبان

شناس معاصر عراقی لبنانی

<sup>۱</sup> فنو سمانتیک semanticsphono

<sup>۲</sup> نشانه‌شناسی یا علم الدلاله

<sup>۳</sup> cratylus

<sup>۴</sup> EPICURUS پیرو مکتب فلسفی رواقیون

ذهن و زبان نیز رابطه ارگانیک وجود دارد (سیدی و عبدی، ۱۳۸۴، ۶۱). سید قطب نیز به وحدت بیان و احساس اعتقاد دارد. بنابر نظر او واژگان با معنای خود رابطه طبیعی داشته که در آغاز روشن و قابل تفسیر بوده، اما با گذشت زمان توجیه این رابطه دشوار گشته است (سید قطب، ۲۰۰۳، ۴۶). (الگزرائر پوپ) نیز معتقد است: آوا بازتابی از معنا دارد (ولک، ۱۳۸۸، ۴۳۵).

با تاملی ژرف در آراء، به دست می‌آید که: آهنگ حروف با صدای طبیعی پدیده مورد نظر متناسب است، در نتیجه دلالت آوایی پدیده‌ای بدیهی است و بسیاری از زبان‌شناسان و ناقدان معاصر عرب از جمله: غنیمی هلال و احمد محمد قدور نظریه دلالت آوایی حروف را تایید می‌کنند (قائمی و صمدی، ۱۳۹۰، ۷۵). علی عبد الواحد وافی، صبحی صالح، ابراهیم انیس و... نیز با این جنی هم‌سو می‌باشند (یاسوف، ۱۳۸۸، ۲۳۹). حسن عباس هم با اعتراف به این دلالت، معانی مختلف حروف را بیان نموده است (عباس، ۱۹۹۸م، ۱۸۲). علاوه بر این با استفاده از دانش پردازش سیگنال و مقایسه فرکانس‌های تشکیل شده از صوت واژگان با فرکانس طبیعی پدیده مورد نظر، تطابق آوا با معنا را اثبات کرده‌اند (درویشی و همکاران، ۱۳۹۱، ۲)؛ بنابراین دلالت آوایی مبنای روشن علمی داشته و ناقدان معتقدند: آوای برخواسته از چیدمان حروف، علاوه بر تقویت موسیقی بر معنایی خاص دلالت دارند (قائمی و صمدی، ۱۳۹۰، ۷۱).

ارتباط آوایی، معنایی کلمات با تعبیری چون:

انسجام لفظ و معنی، نمادپردازی صوتی<sup>۱</sup> (چگنی، ۱۳۸۲، ۴۱۷) نغمه حروف، دایره هم حروفی (محمدی، ۱۳۸۹، ۱۳) زائوم<sup>۲</sup> (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱، ۱۳۸). نام آوا و صدا معنا<sup>۳</sup> بیان می‌شوند. صدامعنا یا نام آوا الفاظی هستند که رابطه‌ای طبیعی میان صوت و معنا دارند (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵، ۱۰) و با تقویت صدا، حرکت و معنا، در زنده کردن زبان و تنوع بخشی آن موثر هستند (محمدی و کمرخانی، ۱۳۹۳، ۱۵۲) هر چند صدامعنا یا نام آوا به واژه‌هایی محدود شده که با تقلید و الهام از اصوات طبیعت ساخته می‌شوند (نیکوبخت، ۱۳۸۳، ۱۲۲). زبان‌شناسان آن را شامل واژه‌ای دانسته‌اند که آوا تداعی کننده معنا باشد (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵، ۱) و آوا، فارغ از اینکه اهل چه زبانی باشی، معنا را به ذهن متبادر سازد (درویشی و همکاران، ۱۳۹۱، ۲).

بحث مناسبت طبیعی، مستلزم دریافت حقیقت معنا و بررسی ریشه‌ای الفاظ بود و اینگونه (اشتقاق) مطرح شد (فرخنده، ۱۳۷۸، ۱۰۶). از دیگر مسائلی که ابن جنی مطرح می‌کند، رابطه معنایی بین مشتقات است که آن را جهت نشان دادن مهارت خود در برگرداندن ریشه‌های مختلف به معنایی مشترک بنا نهاده است (حسن جبل، ۱۴۲۶، ۲۴۷). وی تمام ترکیباتی را که با تغییر صامت‌های ریشه حاصل می‌شود (اشتقاق اکبر) خواند (الکراعین، ۱۹۹۳، ۹۶) هر چند بعدها با یافتن گونه‌های دیگر اشتقاق، (اشتقاق کبیر) نام گرفت (الصالح، ۱۹۷۰، ۱۷۴).

<sup>۱</sup> sound symbolism یعنی صوتهای آوایی منعکس کننده صوتهای جهان بیرونی باشد.

<sup>۲</sup> zaum در میان فرمالیست‌ها کاربرد دارد

<sup>۳</sup> مناسبت طبیعی میان الفاظ و معنای آنها به نظریه تقلید صوتی (onomatopoeia) معروف و صدامعنا یا نام آوا نام دارد

مشترکی دارند، معنای خاص جدیدی نیز می‌یابند (الصالح، ۱۹۷۰م، ۱۷۳)

برخی معتقدند: نظریه ابن جنی در برخی الفاظ مصداق دارد، نگارندگان این جستار به مباحثی که معرکه آراء موافقان و مخالفان است، دامن نزده‌اند؛ از این رو پژوهش حاضر صرفاً با استناد به منابع موجود و در حوزه الفاظ قرآن به تبیین مصداقی نظریه نام‌آوایی و اشتقاقی نظریه ابن جنی و بیان یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن مجید برآمده‌اند. براساس آنچه آورده شد، دلالت آوایی مبنایی علمی دارد، از این رو باید در بین واژگان با حروف مشترک (دارای دلالت خاص) نیز اشتراک معنایی وجود داشته باشد. ابن جنی معتقد است: اگر احیاناً برخی از ترکیب‌ها با معنای مورد نظر چندان ارتباط نداشت، باید با تاویلی ماهرانه میان آن‌ها رابطه برقرار کرد (۱۹۵۶م، ج ۲، ۱۳۶).

نشانه دیگر این ارتباط معنایی پیوند معنایی در الفاظ مشتق است از این رو تسلط بر مباحث اشتقاق به مثابه ویژگی بارز زبان عربی، از شروط مفسر است (سیوطی، ۱۹۵۸م، ۳۴۶) و اشتقاق راز زبان عربی و کلید فهم آن شمرده می‌شود (حسن جبل، ۱۴۲۶، ۳)؛ چراکه تناسب میان مشتقات باعث تداعی معانی آن‌ها می‌شود و با ذکر واژه‌ای، ناخودآگاه واژه‌ای متناسب با آن به ذهن متبادر می‌گردد، جستجو و لذت شنیدن واژه متناسب، سبب مانایی آن در حافظه گشته و با کاهش تلاش ذهن برای حفظ مفاهیم الفاظ بیشتر، روند انتقال پیام را تسریع می‌بخشد. ابن فارس نیز اساس اشتقاق را اختصار می‌داند که همان اصل کم‌کوشی<sup>۱</sup> است و اهمیت ویژه‌ای در زبان‌شناسی دارد

به عنوان مثال: ترکیبات (جبر) را متضمن معنی قوت و شدت می‌داند (ابن جنی، ۱۹۵۶م، ۳۹۶). ۱. (جَبْرَةُ الْعَظْمِ وَالْفَقِيرُ) یعنی استخوان شکسته را بستم و فقیر را توانگر ساختم. ۲. به پادشاه به دلیل قدرت او در تقویت دیگران (جَبَّار) می‌گویند. ۳. «مَجْرَبٌ» یعنی انسان باتجربه که با گداختن در کوره حوادث نیرومند می‌شود. ۴. به غلاف شمشیر «جِرَاب» گویند زیرا سبب نگهداری و تقویت شمشیر است. ۵. «بَجْر» امر عظیم و دهشتناک ۶. «ابْجُر» مرد ناف برآمده و ناف قوی است ۷. «بُرْج» قلعه و قسمت محکم ساختمان عظیم ۸. «بَرَج» زیبایی و درشتی سفیدی - سیاهی چشم که شدید و شفاف هستند ۹. تَبْرُجُج به معنای شدت آشکاری است. ۱۰. رَجَبْتُ الرجل یعنی او را بزرگ داشتم و به کارش قدرت بخشیدم. ۱۱. عرب‌ها برای بزرگداشت ماه «رجب» از جنگ خودداری می‌کردند و ماهی با عظمت است که خیر و برکت دنباله دار دو ماه شعبان و رمضان را به همراه دارد ۱۲. به ستاره دنباله‌دار و روده از جهت درازی و بزرگی رجب گویند ۱۳. «رَجَبَه» تکیه‌گاه شاخه درخت پر میوه است تا از خم شدن آن جلوگیری کند ۱۴. بندهای انگشتان را «راجبه» خوانند زیرا موجب قدرت و استحکام انگشت می‌شود ۱۵. «رَبِج» به معنی عظمت و امتلاء و رِبَاجی مردی خود بزرگ‌بین است که به عملش می‌نازد و آن را تقویت می‌کند، حال آنکه آن اندازه ارزش ندارد. ۱۶. الجَرَبَةُ: مردمان قدرتمند ۱۷. جَرَب: نوعی بیماری پوستی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۵۹) که موجب خارش شدید پوست است. بنابراین واژگان اشتقاق کبیر در تعداد و نوع حروف اصلی‌شان یکسان اما در ترتیب حروف متفاوتند و همچنانکه معنای اصلی

<sup>۱</sup> Least effort کم‌کوشی یا اقتصاد زبانی



می‌کنند (الصغیر، ۲۰۰۰م، ۱۷۶). انقطاع زبان در تلفظ حرف (ر) بر از حد فراتر رفتن و تجاوز این احساس پنهان حکایت دارد (ثمره، ۱۳۷۱، ۴۹) از آنجا که در تلفظ واج (م) لب‌ها روی هم نهاده می‌شوند، راه عبور هوا از دهان بسته می‌شود و با امتداد لب‌ها صوت (میم) پدید می‌آید (ابن‌الجزری، بی تا، ۲۰۱). معنای واژه به وجود آمده از این حروف نیز کاملاً با آوای آن همسوست. در ترکیب «حرم»: معنای ممنوع بودن نهفته است، چنانکه انجام کار حرامی چون شرک باعث ممنوعیت از بهشت می‌شود (مُحَرَّمَه) حرمت هر چیزی است که تجاوز و شکستن حد آن جایز نیست، مراد از (حُرُمَات) کعبه و مسجد الحرام است که محترم بوده، حدودی دارد و چیزهایی در آن‌ها حرام (ممنوع) شده است (راغب، ۱۴۱۲، ۲۲۹).

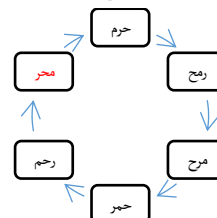
۲/۳. ح، م، ر: در هنگام تلفظ آوای (ر) تیزی نوک زبان پی در پی به سقف بالا برخورد می‌کند (زندى، ۱۳۸۵، ۴۵) و نمودی از حرکت به سمت بالا، تفخیم و سر برافراشتن را القا می‌کند. واج (م) با دلالت بر ویژگی‌های جمع، پیوستگی، قوت، غلظت، شدت و کمال (عباس، ۱۹۹۸م، ۷۱) اشاره صریحی بر جسمی محکم دارد، زیرا هرچقدر چیزی جمع و فشره شود، قوت می‌یابد. در آخر نیز باعث در هم پیچیدن چیز دیگر می‌شود که انقباض دیواره حلق در هنگام تلفظ صامت (ح) این امر را به خوبی مجسم می‌کند (ستوده‌نیا، ۱۳۷۸، ۵۰) و گویای معنای نیزه (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۴۵۲) به عنوان ابزار تیز، سربرافراشته و محکم است. این همان نقش آوا در رسایی مفهوم است.

۳/۳. م، ر، ح: (میم) از واج‌های دولبی است که به هنگام تلفظ مستلزم افزایش حجم لب‌ها است

(فرخنده، ۱۳۷۸، ۱۲۰) همچنین از آنجا که صوت آواها با معنا رابطه ملموس‌تری دارند، زودتر می‌توانند مفاهیم ذهنی را منتقل کنند و به کوتاه‌ترین فاصله دال و مدلول و ایجاد وحدت بیان آن دو انجامند (قهرمانی و جابری، ۱۳۹۵، ۱۲). بنابراین جایگزینی سریع در ذهن و استفاده بهینه از آوا ویژگی اقتصادی قرآن کریم است، بر پایه صدامعنایی با دانستن معنای حروف، معنای کلمه مجسم شده و بر اساس اشتقاق با دانستن معنای یک ریشه می‌توان، معنای دیگر مشتقات آن را هم دریافت، مسلماً تبیین مفهوم ریشه در کنار مشتقات آن، بسی آسانتر از فهم جداگانه همه ریشه‌ها، بدون دانستن ارتباط معنایی بین آن‌ها است و راه را بر مشتاقان مفاهیم قرآنی هموارتر می‌سازد تا با فهم معنای یک ریشه به معنای دیگر مشتقات آن هم دست یافته، حلاوت فراگیری آسانتر و سریعتر مفاهیم واژگان بیشمار برای او میسر گردد.

### ۳. محور بحث (تحلیل داده‌ها)

برای هر کلمه ۶ حالت را می‌توان فرض نمود، ولی ممکن است برخی حالات اصلاً کاربرد نداشته باشد. (الصالح، ۱۹۷۰م، ۱۸۷). همچنانکه (ابن‌منظور) معتقد است: ترکیب (محر) کاربرد ندارد، هرچند (فراهیدی) معنای آن را بیان کرده است، که به تبیین (آوایی\_ لغوی) مشتقات (ح، م، ر) خواهیم پرداخت:



۱/۳. ح، م، ر: غالباً واژگانی که هم‌خوان (ح) در آن به کار رفته است، بر حالت نفسانی عمیق دلالت

فراوانی آن گرایش است (زارع و همکاران، ۱۳۹۱، ۸۶) و در نهایت صامت (م) لب فروستن و خاموشی را به دنبال دارد (المازنی، ۱۹۹۰م، ۶۷). می‌توان اذعان کرد که آواها در این کلمه کاملاً با معنی (رحم) مطابقت و تناسب دارد؛ زیرا رحمت در آدمیان به معنی فراوانی عاطفه، رقت قلب، نرمش و مهربانی است که از دیدن شخص محتاج عارض می‌شود و او را به نیکی کردن وا می‌دارد (قرشی، ۱۳۷۱، ۶۸).

۶/۳. م، ح، ر: (میم) که صامتی خیشومی است، دلالت بر وارد شدن درون چیزی را دارد (زارع و همکاران، ۱۳۹۱، ۸۳). همچنین با دلالت بر قوت، داخل شدن در چیزی محکم و سپس پنهان شدن آن را هویدا می‌سازد، چراکه (حاء) واجی مهموس می‌باشد و از ته حلق به صورت ضعیف و از عمق خفایای پنهان انسان بیرون می‌آید (عبدالله، ۲۰۰۸م، ۹۴) ارتعاش صوت و لرزش زبان در حرف (ر) نیز حرکت، روانی و فراوانی شیء داخلی را محسوس‌تر می‌کند (انیس، ۱۹۷۵م، ۶۶) بسان دارو یا شیر کودک که درون ظرفی محکم ریخته می‌شود تا بیرون نریزد یا حیوانی که در پوسته صدفی محکم پنهان شده است، نیز حرکت امواج صوتی بیشتر درون استخوان حلزونی گوش را تداعی می‌کند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۲۲۹). با این توصیفات به نظر می‌رسد، اصوات حاصل از ترکیب حروف، گویای معنای لغوی ذکر شده برای (محر) است.

از مجموع مطالب می‌توان به این نکته دست یافت که میان واژگان و آوای آن‌ها نوعی تناسب برقرار است. نه تنها حروف به کار رفته در واژه بیانگر معنای آن است، بلکه به تقویت معنا نیز کمک می‌کند (پرین ۱۳۷۳، ۹۷) و چنان معنای واژه در آواهای آن تبلور

(سجادی و حسینی، ۱۳۹۰، ۱۵) گویی کاربرد آن در واژه سبب ایجاد ابهت خاصی می‌گردد که نشان از قوت و هیبت دارد. به دنبال آمدن صامت (ر) باعث نوعی حرکت درونی به بیرونی (مومنی، ۱۳۹۲، ۴۸) یا انحراف است، سپس احساسی پنهان فرد را احاطه می‌کند و به هم پیوستگی مجاری صوتی در هنگام تلفظ آوای (ح) که از حروف حلقی است (فلاح و شفیعی‌پور، ۱۳۹۴، ۶۰) رسانای معنای آن است. از این رو واج‌ها با درگیر کردن اندام صوتی تداعی کننده و القاگر معنای (مرح) یعنی غرور، سرمستی و غرق بودن در شادی متجاوز از حد می‌باشند (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۳۱۶).

۴/۳. ح، م، ر: واج (ح) هیاهو و صدای نامفهوم برخاسته از جنب و جوش و نفس نفس زدن حیوانات را ملموس‌تر می‌کند (قائمی و صمدی، ۱۳۹۰، ۹۶). هیچانی که با آوای (م) قوت و شدت گرفته است (ابن جنی، ۱۹۵۶م، ۱۹۶) و در نهایت در صامت (ر) یادآور حرکت سریع است (اقبالی، ۱۳۸۸، ۲۷). در حقیقت واج‌های این واژه با آوای خود معانی (حمر) را در ذهن تداعی می‌کنند که همان حیوان معروف (الاغ) و رنگ قرمز است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۲۸۳). رنگی که مورد خوشایند انسان می‌باشد و باعث برانگیختن احساس، تحرک و نشاط می‌شود.

۵/۳. ح، م: غالب واژگانی که هم‌خوان (راء) در آن به کار رفته، به خاطر صفت تکرار بر فراوانی و کثرت دلالت می‌کند (محمدبشر، ۱۹۸۰م، ۱۳۹) همچنین همراه شدن آن با آوای (ح) نوعی تکرار در احساس و پیوستگی این امر را می‌رساند. ویژگی حلقی صامت (ح) نیز نشانه‌ای بر تعلق و وابستگی احساس به اعماق روح انسان و نشانه گسترده‌گی و

یافته است که با شنیدن آوا می‌توان به معنای واژه دست یافت، بنابراین اگر شنونده معنی لفظی را نداند، به کمک طنین برخواسته از حروف به آن می‌رسد (المازنی، ۱۹۹۰م، ۶۷) همانگونه که وقتی از (عباده صیرمی) درباره معنای (اذغاغ) پرسیدند، گفت: می‌پندارم سنگ باشد آن گونه که از آوای خشن آن احساس می‌کنم (سیوطی، ۱۹۵۹م، ۱۴۵) البته می‌توان علاوه بر استفاده از داده‌های ساختار تلفظ حروف و ویژگی آواها که به آن‌ها اشاره شد، به شکل نوشتاری حروف نیز توجه داشت و مستندات حاصل از این سه دسته را تحت عناوین پیشنهادی ۱-ساختار معنا (شکل اندام گفتاری در هنگام تولید آوا) ۲-سیما معنا (خط و شکل نوشتاری حروف، کشیدگی، خمیدگی، بی‌نقطه بودن و...) ۳-آوا معنا (ویژگی معنایی ذکر شده برای حروف) تقسیم‌بندی کرد و از دلالت‌های آن‌ها در جهت کشف معنا بهره برد.

همانگونه که در درک توصیف‌های آوایی، شناخت اندام‌های صوتی ضرورت می‌یابد (حق‌شناس، ۱۳۸۸، ۸۱) و به جایگاه تولید (مخارج حروف) یا شیوه تولید (حالت اندام‌های صوتی) اشاره می‌شود (یول، ۱۹۹۶م، ۵) خط نیز به عنوان وسیله ثانویه در نمایش آوا بوده و زبان به دو جنبه گفتار و نوشتار تقسیم می‌شود (زندى، ۱۳۸۵، ۱۵). نوشتار، عرضه بیان در قالب زبان اشارتگر است و تصویر حروف به عنوان رسالت بصری بر معانی آن‌ها اشاره دارد. (م) در نوشتن به گونه‌ای است که گویا حرف (ه) را به (ا) چسبانده‌اند و بر معانی ترکیب، پیوستگی، تکامل و قوت اشاره دارد. نیز امتداد دنباله (م) بر وسعت و نرمی و تنگنای حلقه‌ی (م) انسداد، محو شدن، سکوت و تسلیم را به تصویر می‌کشد.

ویژگی (ح) در نداشتن نقطه و پیرایه است و بر معانی زیبایی، پاکي، سر در باطن داشتن، در هم پیچیدگی و خمیدگی بسان حلقه زلف یا پیچش گوش اشاره دارد (حیدری، ۱۳۹۴، ۱۴۷-۱۷۸). تشابه شکل (ر) که از حروف ذلقی است، به سرسره یا قطرات باران نیز بر سرازیر و روان شدن، سرخوردن یا فراوانی اشاره دارد. استفاده از داده‌های شکل نوشتاری، مخارج و صفات حروف نه تنها در تبیین بهتر معانی کمک می‌کند بلکه ذاتی بودن معانی آوا را نیز تاکید کرده و این گونه یافته‌های ما تنها مبتنی بر تخیل یا برداشت درونی نیست، بلکه جنبه علمی می‌یابد.

آوا	ویژگی نوشتاری	ساختار گفتاری	دلالت های معنایی
م	دایره بسته، امتداد دنباله	بسته شدن لب‌ها سپس امتداد آن در هنگام خروج صوت میم	منبع، بست، قوت، مالکیت، مکث، جمع، کمال، و...
ح	پیچش، بی نقطه بودن	انقباض حلق، عبور هوا باشدت و سختی، پراکندگی، فشردگی، سایش و زبری	حرارت، نابودی، لطافت، زیبایی، پیچیدن، احساس پنهان و...
ر	سرازیری	تیزی، تکرار	حرکت، فراوانی، ...

علاوه بر این، مشتقات (ح، ر، م) از لحاظ لغوی نیز معانی مرتبطی دارند. از دیگر نکات قابل توجه در این هماهنگی، گاهی تضاد معانی دو واژه است همچنانکه بین مشتقات ارتباط معنایی مترادف، تضاد، افزایش، تقابل، توالی، تاکید، نفی و ... را می‌توان یافت، چراکه چینش آواها به گونه‌ای است که علاوه بر یک معنای کلی، با جابه‌جایی آن‌ها آهنگی متفاوت و معنایی خاص را نیز القا می‌کند همچنانکه در بار

(مرح) عبارات مرح الجلد: پوست را نرم و روغن مالی کرد (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۲۲۵) امرح الکلا الفرس: گیاه تازه اسب را با نشاط کرد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۵۹۱) مرح المهر: کره اسب را رام و نرم کرد و درخت انگور با شاخه‌های نرم و خمیده (مهیار، ۱۳۷۵، ۱۳۱) قرار دارد، هرچند ریشه (محر) در کلام عرب شنیده نشده است و (میم) در (محره) زائد و از ریشه (حور) دانسته شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۶۰) اما معانی ذکر شده برای (حور) نیز با معانی موجود مرتبط است: همچون پوست نرم دباغی شده یا چیزی که آستری آن سرخ، نرم و نازک باشد (همان، ۱۴۱۴، ۲۱۷) یا نوعی درخت بید که در جای نمناک می‌روید و پوست آن را به رنگ قرمز در می‌آورند (مهیار، ۱۳۷۵، ۱۹) برای اینکه ارتباط مشتقات به خوبی نمایان شود، سایر معانی در برابر هم و در جدول زیر نشان داده شده است.

معنایی واژگان (قوت، شدت و ضعف) نیز موثر است و یک ویژگی در یک کلمه کاهش و در دیگری افزایش می‌یابد و این امر می‌تواند تقابل ایجاد کند. به عنوان نمونه در ریشه (حمر) سنه حمراء: خشکسالی ناشی از گرمای شدید است و (الحماران) دو سنگ شبیه الاغ است که آن‌ها را مثل چهارپایه قرار داده تا روی آن چیزی خشک کنند (راغب، ۱۴۱۲، ۵۴۲) در ریشه (مرح) نیز اخذت البهمی رمحها: اشاره به گیاهی خشک دارد که خارهایش مانع چریدن در آن می‌شود (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۴۳۷) همچنین در ریشه (حرم) محرمه: حوله‌ای است که با آن چیزی را خشک می‌کنند (مهیار، ۱۳۷۵، ۲۰) یا سوط محرم: شلاقی است که نرم نشده باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۱۲۲).  
در مقابل معنای اصلی ریشه (رحم) نرم‌دلی و نرم‌خویی است (قرشی، ۱۳۷۱، ۶۸) یا در ریشه

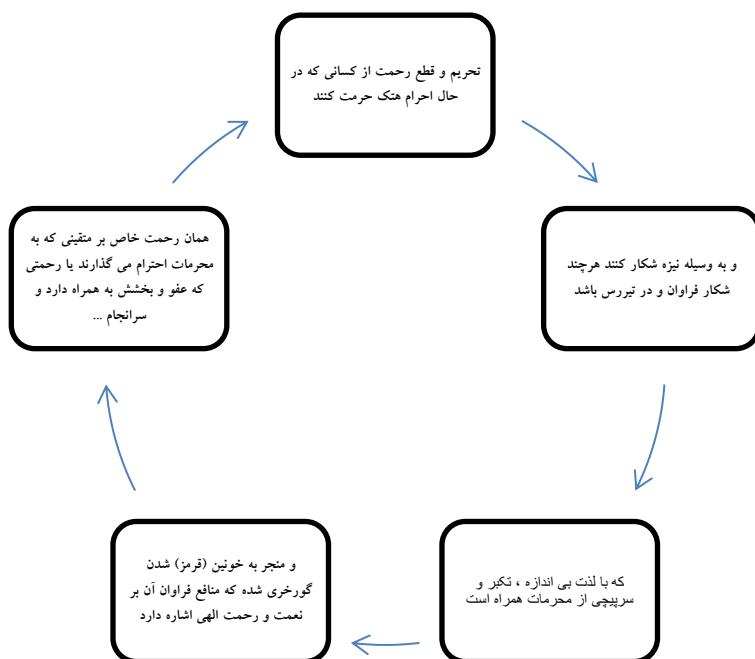
حرم	رمح	مرح	حمر	رحم	محر (حور)
عبور، تجاوز، سرپیچی از قوانین	سر برافراشته و استوار	سر باز زدن، تکبر، شادی بیش از حد مجاز	سرزندگی رنگ قرمز، تمایز گورخر	گذر از خشم، چشم‌پوشی بر خطا	عبور، تجاوز و سر ریز شدن آب چاه
محروم از رحمت	بی رحمی نیزه	خود برتر بینی و نامهربان با دیگران	نامانوس با انسان	رحمت الهی، انس و الفت خویشاوندان	تخیر و سرگردانی
دریدن حرمت در اثر رخنه شیطان بر قلب	برندگی و دریدن شکار	بریدن از حد مجاز، عدم تواضع	نافذ بودن قرمز	رسوخ، شکار قلب با محبت، قطع رحم نکردن و پیوند خویشاوندان	شکاف گوش یا صدف
منع فعل حرام	منع چریدن گیاه خاردار، وسیله منع و دفع خطرات، منع شکار در احرام	مناعت، بلند پروازی	تابلو قرمز عبور ممنوع	منع ازدواج با محارم که از یک رحم_اند، منع رحم جز بر همسر، منع ورود جسم خارجی به رحم در بارداری	مانع، حفاظ، پوشش استخوانی صدف گونه
خط قرمزها	خونین و قرمز شدن سرنیزه	گلگون و پر خون شدن چهره از شادی و هیجان	سرخ زمین از گرما رنگ قرمز گورخر	کنترل خشم و جوشش خون، مکان عاطفه و احساس در قلبی مملو از خون	درختی که پوست آن را قرمز می‌کند آستر قرمز
بی بهره و نصیب	شدت تیزی نیزه	شادی فراوان، چشم	دگرگونی، شدت	رحمت فراوان و بیشمار الهی	دگرگونی کرم به

روزی او فراوان نیست	بسیار اشک ریز	سرخ، کرمی با پاهای بسیار	حشره نقصان، کاستی،
حوله ای برای خشک کردن شلاقی که نرم نشده	نوعی گیاه خشک و خاردار	گیاه تازه اسب را نرم و رام کرد، درخت انگور با شاخه های نرم و خمیده، زمین حاصلخیز،	نوعی درخت بید با شاخه های نرم که در جای نمناک می روید، سفید و لطیف
آماده بارداری و حمل	انبار انگور، توشه دان آب	بچه دان و رحم زن	ظرف شیر بچه، بچه شتری که شیر می خورد، گودال آب
تحریم جنگ و سخت و خونریزی	با نیزه سخت و محکم به یکدیگر یورش بردند	مرگ خونین و کشتار سخت	مجاوره و جدال کلامی سختی و اسحکام صدف
حمایت و حرمت محارم، نرسیدن دست اغیار به زنان	ستاره ای که ستاره ای چون نیزه در حمایت و کنار اوست	تشبیه نادان به حمار به جهت عدم انسانیت و یاری نکردن محرومان	یاری و حمایت بین خویشاوندان
نصیحت و یاری	کاربرد مرچی در تشویق، حمایت و تعجب از به هدف زدن تیر انداز		

می‌توان در قالب یک نمودار نشان داد و ارتباط معنایی جالب بین آن‌ها را نمایان ساخت، چنانکه به نظر می‌رسد از نظر سیاق آیات نیز مرتبط هستند، زیرا مضامین آن اکثراً پیرامون آیات ۹۴-۹۷ سوره مائده است.

و این‌گونه انطباق و ارتباط معانی آوایی مشتقات با معنای لغوی و دلالت آوا بر معنا بر پایه نظریه صدامعنایی و اشتقاق آشکار می‌گردد.

همچنین نتایج حاصل از مشتقات (م،ح،ر) که تنها ۵ ترکیب آن در قرآن کریم موجود می‌باشد، را



(۳۲۱).

اگرچه زخمی و خونین کردن حیوانات وحشی در دسترس افتخاری ندارد، اما شکار آسان آن‌ها، صیاد را شاد و سرمست می‌کند، به غرور و سرپیچی از فرمان خدا (مرح) وامی‌دارد ﴿ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ﴾ غافر: ۷۵ و به خاطر شادی بر احیای باطل خود و از بین بردن حق، مستوجب عذاب می‌شود، زیرا زیاد خوشحالی کردن بیرون از حد اعتدال است و خوشحالی به حق آن است که از باب شکر خدا در برابر رحمت و نعمت‌های او صورت گیرد، همچنانکه شدت هیجان و قرمز شدن یا خرامان رفتن همچون چهارپا ناپسند است ﴿وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا... لَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا﴾ الاسراء: ۳۷ چراکه طول قامتت به کوه‌ها نمی‌رسد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ۶۳۹).

همان کوه‌های سر بفلک کشیده که راه‌هایی به رنگ‌های سفید و سرخ دارد ﴿وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا﴾ فاطر: ۲۷ و خط‌های راه‌راه گورخر را به ذهن تداعی می‌کند ﴿الْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً﴾ نحل: ۸ چهارپایانی که مایه زینت هستند و شخص سوار بر آن‌ها در خود احساس غرور می‌کند چون حیوان پرقدرتی رام او شده است، همچنین به صاحبان احساس بی‌نیازی می‌دهد و در حال سواره با عظمت جلوه‌گر می‌شوند. با تمام اینها باز نادانان از تهدیدهای خدا نمی‌ترسند و درحالی‌که از تذکره نفرت و اعراض می‌کنند، شبیه گورخران وحشی هستند که از شیر می‌گریزند ﴿كَانَهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ﴾ المدثر: ۵۰ همچنانکه رنگ قرمز با تداعی خونریزی مورد تنفر است. تشبیه قومی از خود راضی که مکلف به تورات شدند ولی با

خداوند متعال خانه کعبه را محترم شمرده است ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾ المائدة: ۹۷ و آن را مایه قوام زندگی، تجارت و پایه حیات اجتماعی مردم قرار می‌دهد تا دینشان پایدار گردد، نیز برای آن حدودی همچون تحریم جنگ و قتل ﴿لَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾ البقرة: ۱۹۱ مقرر می‌نماید، که رعایت این تحریمات فواید بسیاری دارد ﴿مَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ﴾ الحج: ۳۰ گاهی تحریم طعام باعث آزمایش اراده انسان و تحکیم قدرت او بر ضبط شهوات، تقویت تقوی، احساس مسئولیت و رحمت به دیگران می‌شود، و طعامی که با این هدف مخالف باشد، حرام است، همانگونه که شکار در حال احرام ﴿لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ﴾ المائدة: ۹۵ تحریم شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶، ۱۳۸).

هرچند شکار در تیررس (نیزه) شما باشد اما وسیله آزمایش انسان است ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ عَلَيْكُمْ اللَّهُ بَشْيْءٌ مِنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُ بِالْغَيْبِ﴾ مائده: ۹۴ آیه در عمره حدیبه نازل شده است و اتفاقاً آن سال بقدری شکارها زیاد بود که سابقه نداشت و مسلمانان می‌توانستند به آسانی یا به وسیله نیزه آن‌ها را شکار کنند، ولی چون در حال احرام بودند، اجازه شکار نداشتند و از حرمان شکار رنج می‌بردند. این نهی آزمایشی بود تا معلوم شود، چه کسی از عذاب خداوند می‌ترسد، پا روی نفس خود می‌گذارد و از این نعمت وافر چشم می‌پوشد و کدام یک با تکبر سرپیچی می‌کند، اما زمانیکه حمار وحشی نزد (ابو البشر بن عمرو) آمد، در حال احرام با تیر آن را کشت و مورد ملامت قرار گرفت (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۳:

در یک جمع‌بندی توجه به تحریمات و محترم شمردن آن (حرم) رمز قوام و مانع بر ورود شیطان بر حریم مومن، نیز پیروی از منع شکار در تیررس (مرح) رمز خروج از تکبر (مرح) است، هرچند وفور نعمت در قالب‌های گوناگون نشانگر صبغی الهی (حمر) و دوام (رحمت) است، اما هرچه رنگ خدایی نداشته باشد، فانی و (محروم) از رحمت و بخشایش است.

### نتیجه‌گیری

۱- با توجه به شواهد قرآنی و استنادات زبان-شناسان، یکی از ابزارهای خداوند برای انتقال موثرتر معانی و مفاهیم به مخاطبان استفاده از هنر آوامعنایی به هدف تدبیر در آیات و تقویت اعجاز لفظی، معنوی و اقتصادی قرآن است.

۲- بار آوایی حروف با خصوصیات معنای مورد نظر بسیار نزدیک است و به بهترین شکل معانی الفاظ را القا می‌کند. بین مشتقات، ارتباط معنایی ترادفی و گاهی تضادی وجود دارد. به عنوان مثال: چینش‌های (ح،م،ر) معانی مشترکی دارند، بازخوانی کدهای آوایی (ح) معنای حرارت درونی می‌رساند. و آواهای «حرم» بر هیجان پوشیده و پیچیده در افکار درونی گناه‌آلود و پوشاندن یک واقعیت دلالت می‌کند، احرام به مثابه یکی از مناسک، با چرخیدن و پیچیدن به دور کعبه محقق می‌شود. در (حمر) نیز هیجان درونی ناشی از دیدن رنگ قرمز، آتشین مزاج و وحشی بودن گورخر، خطوط در هم پیچیده، احاطه و پنهان‌کننده سفیدی بدن گورخر را به تصویر می‌کشد یا در (مرح) هیجان درونی ناشی از تکبر و شادی بسیاری که فرد را فرا می‌گیرد، تداعی می‌کند و

سرپیچی از حکم خدا، حق آن را ادا نکردند، به درازگوشی که تنها بار کتاب را بدون اندیشه و عمل بر دوش می‌کشد، همین‌گونه است ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا﴾ الجمعة: ۵ هرچند از رحمت پروردگار است که چهارپا را آفرید ﴿وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرؤُفٌ رَّحِيمٌ﴾ النحل: ۷ و آن‌ها بارهای سنگینی را می‌برند که جز با زحمت بسیار به شهر نمی‌رسید (بروجردی، ۱۳۶۶ ج ۴، ۱۴).

امنیت کعبه نیز از رحمت خداوند است ﴿أَنَا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا﴾ العنکبوت: ۶۷ در نتیجه رحم و مهربانی نسبت به حیواناتی که به ما نزدیک می‌شوند، را می‌طلبد، همچنانکه خویشاوندان که ریشه همه یک رحم است، با یکدیگر مهربان هستند ﴿تَسْأَلُونَ بِهٖ وَالْأَرْحَامِ﴾ نساء: ۱ اما کسانی که به تحریمات احترام بگذارند، وارد بهشت می‌شوند تا رحمت و بخشایش خداوند شامل حالشان گردد ﴿صَلَّوَاتٍ مِّنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةً﴾ بقره: ۱۵۷ و از رحمت خدا است که مانع ورود شیطان به دل‌های آنان می‌گردد ﴿وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ النساء: ۸۳ اما کسی که با انجام حرام، از پی شهوات خود رود، باید کیفر نافرمانی خود را بچشد، هرچند باز به خاطر رحمت، از اشتباه غیر عمد گذشته چشم‌پوشی می‌کند، ولی اگر برای بار دوم تجاوز کند (در حال احرام شکار کند) ﴿وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ... لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهٖ... عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَ مَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ﴾ المائدة: ۹۵ خدا از او انتقام می‌گیرد (بابایی، ۱۳۸۲، ۵۵۸) و از رفتن بهشت محروم می‌گردد ﴿فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ﴾ مائده: ۷۲ و این چرخه ادامه می‌یابد.

را مفتون، شاد و تحریک (مرح) می‌کند و به حرکت و هیجان وا می‌دارد. به نظر می‌رسد در (محر) نیز بر حرکت و سیلان مایع درونی صدف یا ظرف شیر، دگرگونی، فراوانی پیچش‌های صدف بسان خطوط گورخر یا حرکت امواج درون پیچش گوش اشاره دارد.

و در پایان کدهایی آوایی (م) با دلالت بر قوت، بست و منع در (حرم) بر قوت و پافشاری بر انجام کار حرام اشاره دارد، همانگونه که کعبه و احرام مایه قوام انسان گشته است، نوعی منع از انجام برخی کارها را نیز به دنبال دارد. در (حمر) قوت و غلظت رنگ قرمز مایل به سیاه، قوت گورخر در حمل بار و دویدن، بسته بودن دهان آن همچون نادان یا منع انس با انسان را بیان می‌کند. (مرح) احساس قوت و مغرور شدن به توانایی خویشتن و ممانعت از انجام فرمان خدا است، هرچند در (رحم) منجر به سکوت، چشم بستن بر گناه بندگان، بخشش اشتباهات آن‌ها و مانع از خشم و عذاب می‌شود، نیز بر وابستگی قوی بین خویشاوندان و قوت عاطفه بین آن‌ها اشاره دارد. استحکام، فشردگی و قوت ضربه نیزه در (مرح) و استفاده از آن به عنوان مانع دفاعی نمود می‌یابد. قوت و سختی پوشش استخوانی صدف در (محر) نیز برگرفته از دلالت‌هایی آوایی (میم) است.

۳- برخی کارکردهای پژوهش عبارتند از: هماهنگی نتایج صدامعنایی و نظریه ابن جنی، ارتباط معنایی مشتقات بر اساس اصل جانیشینی، روشی کدینگ و سریع جهت سهولت به خاطر سپردن معنا و تسلط بر آن‌ها بر اساس اصل کم‌کوشی و...

در (رحم) احساس لطف درونی و گرایش به دیگری را نمایان می‌سازد، به همین سان در (مرح) نشانگر پنهان شدن حرکت نیزه در حال پرتاب به خاطر سرعت زیاد آن است، نیز در هم پیچیدن شکار و سرانجام محو و نابودی شکار را در ذهن متبلور می‌کند، همانگونه که در (محر) بر پیچش صدف یا استخوان حلزونی گوش و پنهان بودن حیوان درون صدف اشاره دارد.

همچنین واج (ر) با دلالت بر معنای کدینگ حرکت، فراوانی و تجاوز و واژه (حرم) حرکت و گذر از حلال به سمت حرام و کثرت تجاوز انسان را نمایان می‌سازد، هرچند در (رحم) بر فراوانی مهربانی و گرایش نسبت به دیگری اشاره دارد، همچنانکه لطف الهی همیشه بر سر بندگان سایه افکنده است و شکار با نیزه را (جز در ماه حرام) بر آن‌ها حلال نموده است تا از نعمت و روزی آن بهره‌مند شوند. در (مرح) نیز تیزی نیزه، سرعت حرکت پرتاب، مایل شدن آن به سمت شکار، نشاط و تحرک پرتاب کننده هنگام زدن به هدف را به یاد می‌آورد که باعث تکبر و شادی تیرانداز یا تعجب (مرح) همگان می‌شود، همچنانکه معانی حرکت، انحراف یا شادی بیش از حد مجاز، غرور و سرپیچی در (مرح) را طنین‌افکن کرده است. در (حمر) نیز سرعت دویدن و حرکت مکرر گورخر، فراوانی رنگ پوست، راه راه بودن و متمایز شدن گورخر از سایر حیوانات را ترسیم می‌کند. گورخری که عناد و توحش آن مانع انس، رافت یا رحمت او با انسان است و از حمل بار سرپیچی می‌کند. رنگ قرمز هم قوی‌ترین و مشخص‌ترین رنگ‌ها و به رنگ خون است که مایه حرکت و قوام بدن است، همچنین رنگ قرمز، بیننده



Number 67.

- Khaghani, Mohammad and Fazilat, Youssef (2014) Phonetic Implications in the Verses, Quran in the Mirror of Research, Number 1.
- Khushmanesh, Abolfazl (2009) Comparative Derivative Culture of Quranic Vocabulary, Science and Education of the Qur'an, Number 2.
- al-Daya, Fayez (1996) Arabic Semantics, Damascus, Dar Al-Fikr.
- Darvishi, Mansour and Shahim, Seyyed Mohammadhadi and Dehdashti, Hamed (2012) Qur'anic Voices and Semantic Miraculous Effects, Qur'anic Miracle Conference.
- Ragheb, al-Hussein ibn Mohammed (1991) Vocabulary in the West of the Quran, Beirut, House of Knowledge.
- Robbins, R. E (1997) Summary of the history of linguistics (in the West), Translated by Ahmad Awaz. Al-Kuwait, the world of knowledge.
- Zare, Afarin and Bayat, Musa and deyanat, Leila (2012) Phonetic Analysis of Sahifah Sajadiyah, Studies in the Quran and Hadith, Number 45.
- Zaki Hussam al-Din, Karim (2000) The Principles of Tradition in the The origins of heritage in the modern Linguistics, Egyptian Renaissance Office.
- Zandi, Bahman (2006) The phonology and Intonation of the Quran, Payam Noor.
- Sotoudeh neia, Mohammad Reza (1999) A Comparative Study of Intonation and Phonology, Tehran, Raizan.
- Sajjadi, Seyyed Abolfazl and Hosseini, Masoumeh (2011) Voice and Indications in Surah Zelzal, Hossna, year 3, Number 11.
- Sayyid Qutb, Ibrahim (2003) Literary Criticism Fundamentals and Methods, Cairo, Dar al-Shorouq.
- Seyyedi, Seyyed Hossein and Abdi, Zahra (2005) The Musical Analysis of Holy Quran, cognition, Number 47.
- Soyouti, Jalal al-Din (1958) Proficiency in Quran Sciences, Egypt.
- Soyouti, Jalal al-Din (1959) Flowering in Language Sciences. Beirut, Modern Library.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza (1994) Poetry Music, Tehran, Agah.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza (2012) The Resurrection of Words, Tehran, Sokhan.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza (1991) The Form of Imagination in Persian Poetry, Tehran, Agah.
- Al-Saleh, Sobhi (1970) Studies in Philology, Beirut, Dar Al-Elm.
- Al-Saghir, Mohammed Hussein (2000) The linguistic voice in the Qur'an, Beirut, Dar al-Muraq al-Arabi.
- Sayyadi, Ruh Allah and Jafar nejad, Sedigheh (2016) The Economic and Linguistic Effects of

کتابنامه

The Holy Quran

- Ibn al-Jazari, Muhammad (No date) Publishing in the ten readings, Beirut, Dar al-Ketab al-Elmiya.
- Ibn Jenny, Abu al-Fath osman (1956) Specifics, Investigation of Mohammad Ali Najjar, Beirut, Dar al-Huda.
- Ibn Jenny, Abu al-Fath osman (1954) The secret of the parsing industry, Cairo, Department of General Culture, Ministry of Education.
- Ibn Faris, Abu al-Hossein (1399) Dictionary of the standards Measurements of language, Dar al-Fikr.
- Ibn Manzoor, Muhammad ibn Mokram (1993) Arabic language, Beirut, Dar sader.
- platon (No date) Platon's period of works, Tehran, Kharazmi.
- Eqbali, Abbas (2009) Visual and Audiovisual Images in the The Seven Hangings, Arabic Language and Literature, number 1.
- Anis, Ibrahim (1984) Semantics Vocabulary, Cairo, al-Anjloo al-Masriyyah school.
- Anis, Ibrahim (1975) Linguistic voices, Cairo, al-Anjloo al-Masriyyah school.
- Babaei, Ahmad Ali (2003) Selected Sample Interpretation , Tehran Dar al-Ketab al-Islamiyah.
- Boroujerdi, Seyyed Mohammad Ibrahim (1987) Comprehensive Interpretation, Tehran, Sadr.
- Bashirnejad, Hassan (2004) The Linguistic Trends in the Islamic World, Culture, number 51.
- Bashiri, Ali (2016) Review of Al-Naqd al-Adabi's Principles and Conversations, Critical Review of Texts, year 16, number 6.
- Perrin, Lawrence (1993) On Poetry, Translated by Fatima Rakei, Tehran, Information.
- Samareh, Yadollah (1985) The phonology of Persian language, Tehran, University Press.
- Al-Jorjani, Abd al- Qahir (1995) The Reasons for the miracle, Research by Mohammed al-Tonji, Beirut, Dar al-Ketab al-Arabi.
- Chegeni, Abraham (2003). Encyclopedia of Languages and Languages, Ch 1. University of Lorestan.
- Hejazi, Mahmoud (2000) Arabic Linguistics, Tehran, Ghods Razavi Publishing and samt.
- Hassan Hassan Jabal, Muhammad (2005). Theoretical and comparative derivation science, Cairo, Literature Office.
- Hossaini, Mohammad Zia (1987). An Introduction to Public Linguistics. Tehran, Great Publications.
- Hagg shenass, Ali Mohammad (2009) Phonetics, Tehran, Agah.
- Heidari, Morteza (2015) The Semiotics of Rumi's Alphabetic Attitudes Literary Textual Research,

- Number3.
- Kashani, Mollafatullah (1336) Interpretation of the method of truthful in Commitment of Offenders, Tehran.
- Al-Karain, Ahmad Naeem (1993) The semantics between vision and adaptation, Beirut.
- Al-Karmalli, Anastas Maria (1938) The Beginning and development of the Arabic language, Cairo.
- Al-mazeni, Abdul Qadir (1990) The Poetry and its' Objectives and cases, Beirut, Dar al-Fekr.
- Mohamed Beshr, Kamal (1980) General linguistics of sounds, Cairo, Dar al-maaref.
- Mohammadi, Mohammad Hossein (2010) Circle of the Same letters, Polite Spring, Year3, Number4.
- Mohammadi, Ali and Kamarkhani, Mandana (2014) Meaning of sound in Contemporary Spoken Poetry, Literature Research, Number27.
- Mostafavi, Hassan (1981) Investigation in the words of Holy Quran, Tehran, Book Publishing and Publishing Company.
- Motahari, Safiyeh (2003) Hidden indication in Singular Formulation, Damascus, Arab Writers Union.
- Momeni, Mansour (2013) About the meanings of letters, Tehran, Black Publishing.
- Mahyar, Reza (1996) Arabic-Persian dictionary, Tehran, Islamic Publications.
- Nikobakht, Nasser (2004). "The Sound of Voice and the Theory of the Origin of Language". Literary Research, Number3.
- Vahidian Kamyar, Taghi (1996) Persian phonetic culture, Mashhad, Ferdowsi University.
- Volk, Rene (2009). History of Literary Criticism. Translated by Saeed Arbab, Tehran: Niloufar.
- Yasov, Ahmad (2009) Aesthetics of Quranic Vocabulary, Translated by Seyyed Hossein Seyyed, Tehran, Chavoshgaran.
- the Qur'an, Linguistics of the Qur'an, Number1.
- Taleghani, Seyyed Mahmood (1983) A Beam of the Quran, Tehran, Publishing Company.
- Al-Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1996) Balance in the interpretation of the Qur'an, Qom, scientific Huza.
- Al-Tabarsi, Fazl ibn Al-Hassan (1993) compound statement in Interpretation of the Qur'an, Tehran, Naser Khosrow.
- Abbas, Hassan (1998) Characteristics and Meaning of Arabic Letters, Damascus, Arab Writers Union.
- Abd Al-Jalil, Manqour (2001) Semantics in the Arab heritage, Damascus, Union of Arab Writers.
- Abdullah, Mohammed Farid (2008) The linguistic voice and its connotations in the Holy Quran, Beirut, Al-Hilal office.
- Ferast khah, Maghsoud (1997) The Language of the Quran, Tehran.
- Al-Farahidi, Khalil ibn Ahmad (1989) al-Ain, Qom, Hijrat.
- Farkhondeh, parvane (1999) The History of Derivation From the Perspective of Muslim Scientists, Language and Literature, Number9.
- Fallah, Ibrahim and Shafi'pour, Sajjad (2015) The Practical Significance of the Phonetic Signs of the Quran, Quranic Studies, Number1.
- Ghaemi, Morteza and Samadi, Majid (2011) Investigation of the composition of the letters in the The Seven Hangings, Language Studies. Number6.
- Ghabawa, Fakhruddin (2001) Linguistic Economy in Single Formulation, Cairo.
- Ghadour, Ahmad Mohammad (1999) Introduction to Arabic Philology, Beirut, Dar Al-Fikr.
- Qurashi, Ali Akbar (1992) Dictionary of the Quran, Tehran, the House of Islamic Books.
- Ghahramani, Baha'uddin and Jawari, Mohammad (2016) A Study of the Oral and Artistic Miracle of the Quran, Literary Research, year4

